



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره دکتری فلسفه تطبیقی

عنوان:

اراده الهی از دیدگاه صدرا و توماس آکوئیناس

استاد راهنما:

دکتر احمد احمدی

استاد مشاور:

دکتر محمد ذبیحی

دکتر احمد بهشتی

نگارنده:

محمد باقر عباسی

پائیز ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره دکتری فلسفه تطبیقی

عنوان:

اراده الهی از دیدگاه صدرا و توماس آکوئیناس

استاد راهنما:

دکتر احمد احمدی

استاد مشاور:

دکتر محمد ذبیحی

دکتر احمد بهشتی

نگارنده:

محمد باقر عباسی

پائیز ۱۳۹۰

تشر و قدردانی

لازم می دانم از همه کسانی که به نحوی نگارنده را در انجام این تحقیق یاری رسانده اند، تشکر و سپاسگزاری نمایم. به ویژه از استاد محترم جناب آقای دکتر احمدی که نگارنده در طول دوره تحصیل، نکات بسیاری را از ایشان آموخت و معظم له با راهنمایی ها و ارشادات خود، بنده را مرهون لطف و بزرگواری خود قرار داد؛ همچنین از استاد محترم جناب آقای دکتر بهشتی که با ارشادات خود، بنده را قرین لطف و محبت خود فرمود، همین طور از مسئولان محترم دانشگاه قم، به ویژه از ریاست محترم مرکز تربیت مدرس، برادر گرامی جناب آقای دکتر محمد ذبیحی که علاوه بر نکات سودمندی که در تدوین رساله بیان فرمودند، امکانات آموزشی و پژوهشی مناسبی را در اختیار قرار دادند؛ همچنین از مسئولان و کارمندان محترم واحدهای مختلف این مرکز، که در طول دوره تحصیل، زحمات زیادی را متحمل شدند، صمیمانه تقدیر، تشکر و سپاسگزاری می نماید. و از سرکار خانم اعظم نژادمزارع که با گرفتاری ها و مشغله های فراوان، زحمت تایپ و تصحیح این رساله را متحمل شدند نیز نهایت سپاس را دارد.

و ما توفیقی اِلَّا بالله

شیراز

محمد باقر عباسی

آذرماه ۱۳۹۰

چکیده

فلسفه به تفسیر خدا، انسان و جهان می پردازد و اراده الهی با هر سه مسأله ارتباط وثیق و تنگاتنگ دارد. از آن جا که « اراده » صفتی از صفات خداوند متعال است، تحلیل و بررسی آن، به شناخت دقیق تری از خداوند متعال، صفات او و چگونگی فاعلیت می انجامد. از آن جهت که اراده الهی منشأ پیدایش عالم خلقت و ماندگاری آن است، شناخت آن، به تفسیر خلقت، چگونگی پیدایش و نظم و نظام حاکم بر آن کمک می کند. از آن جهت که اراده الهی، وجود انسان و افعال اختیاری او را پوشش می دهد؛ شناخت آن، به شناخت انسان، قدرت او و چگونگی صدور افعال اختیاریش کمک می کند.

در این نوشته آراء و نظرات ملاصدرا- که بی تردید مهم ترین فیلسوف چهارقرن اخیر جهان اسلام است- در مقایسه با آراء و نظرات توماس اکوئیناس- که از متفکران برجسته دوران میانی مسیحیت است- در زمینه اراده الهی، مطالعه و بررسی می شود. در تحلیل و بررسی کلیات صفات خداوند، به دست می آید که گرچه صدرا و توماس، هر دو وحدت و بساطت ذات باری تعالی را پذیرفته اند؛ اما صدرا تحلیل دقیق تری از چگونگی عینیت صفات با ذات خداوند، ارائه می دهد. در تحلیل « مفهوم اراده الهی » به دست می آید که هر دو متفکر اراده خداوند را به « محبت و ابتهاج » تفسیر کرده اند و هر دو هم به اراده در مقام ذات و هم به اراده در مقام فعل اذعان دارند. اما در پاسخ به سؤالات و اشکال هایی که بر اراده الهی مطرح است، تفاوت آشکاری بین نظر صدرا و توماس به چشم می خورد. در نهایت هر دو متفکر شمول و فراگیری اراده الهی را پذیرفته اند و کم و بیش تفسیر مشابهی، هم از فراگیری اراده الهی نسبت به افعال اختیاری انسان و هم فراگیری اراده الهی نسبت به شرور و بدی ها ارائه داده اند.

کلمات کلیدی: ملاصدرا. توماس اکوئیناس. صفات خداوند. اراده الهی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
اهمیت و ضرورت مسأله.....	۱
سوالات تحقیق.....	۳
فرضیات تحقیق.....	۳
اهداف و کاربردهای تحقیق.....	۵
فصل اول : کلیات.....	۶
بخش اول از فصل اول : درباره صدر و توماس.....	۷
۱- درباره توماس.....	۷
۱-۱ - توماس، کلام و الهیات.....	۱۰
۱-۲ - توماس، ایمان و برهان.....	۱۲
۱-۳ - توماس و براهین خداشناسی.....	۱۳
۱-۴ - توماس و گرایش تنزیهی.....	۱۴
۲- درباره صدر.....	۱۵
۲-۱- اصالت و وحدت وجود.....	۱۸
۲-۲- بسط الحقیقه کل الاشياء.....	۲۰
۲-۳- حرکت جوهری.....	۲۰
۲-۴- حدوث و قدم عالم جسمانی.....	۲۱
بخش دوم از فصل اول: تحلیل صفات الهی از دیدگاه صدر و توماس.....	۲۲
طرح بحث.....	۲۲
۱- دیدگاه های مختلف درباره صفات خداوند.....	۲۲

- ۱-۱- مجسمه و مشبّه ۲۳
- ۱ ۴ - الهیات سلبی و تنزیهی ۲۷
- ۱ ۳ - توماس و شناخت صفات خداوند ۳۰
- ۱-۳-۱- توماس و نظریه تمثیل ۳۳
- ۱ ۴ - صدرا و تشبیه در عین تنزیه و تنزیه در عین تشبیه ۳۵
- ۲- عینیت یا زیادت صفات با ذات ۳۷
- ۲ ۴ - توماس و عینیت صفات با ذات ۴۱
- ۲ ۴ - تحلیل صدرا از کثرت صفات در عین وحدت و بساطت ذات ۴۴
- ۳- صفات ذات و صفات فعل ۵۲
- ۳-۱- ویژگی ها و تفاوت های صفات ذات و صفات فعل ۵۳
- ۴ - جمع بندی و نتیجه گیری ۵۵
- فصل دوم: تبیین مفهوم اراده الهی از دیدگاه صدرا و توماس ۵۹
- معنا و مفهوم اراده ۶۰
- ۱ - اشاعره و تبیین حقیقت اراده ۶۱
- ۲ - معتزله و مفهوم اراده الهی ۶۲
- ۳ - ابن سینا و مفهوم اراده الهی ۶۵
- ۴ - تقد و بررسی ۷۰
- ۵ - توماس و تحلیل اراده الهی ۷۴
- ۵-۱- توماس و استقلال مفهوم اراده الهی ۷۴
- ۵-۲- تفاوت مفهوم اراده در خداوند و در انسان ۷۵
- ۵-۳- توماس و مفهوم اراده الهی ۷۶
- الف : تحلیل اراده الهی از طریق تحلیل اراده انسان ۷۷

- ب: تحلیل اراده الهی از طریق مفهوم خیر..... ۷۸
- ۷۹-۴-۵- اراده به معنای عشق و ابتهاج..... ۷۹
- ۸۱-۵-۵- توماس و صفت ذات دانستن اراده الهی..... ۸۱
- ۶- صدرا و تحلیل مفهوم اراده الهی..... ۸۴
- ۸۴-۱-۶- صدرا و اشتراک معنوی مفهوم اراده..... ۸۴
- ۸۵-۲-۶- آیا اراده مفهوم است یا ماهیت..... ۸۵
- ۸۶-۳-۶- صدرا و تعریف ناپذیری مفهوم اراده..... ۸۶
- ۸۸-۴-۶- صدرا و معنا و مفهوم اراده..... ۸۸
- ۷- علامه طباطبایی (ره) و تحلیل اراده الهی..... ۹۰
- ۹۱-۱-۷- علامه طباطبایی (ره) و عدم اخذ اراده در تفسیر قدرت..... ۹۱
- ۹۳-۲-۷- اراده ذاتی و اراده فعلی..... ۹۳
- ۹۵-۳-۷- علامه طباطبایی (ره) و صفت فعل دانستن اراده الهی..... ۹۵
- ۹۶-۴-۷- نقد و بررسی نظر علامه طباطبایی..... ۹۶
- ۸- متعلّق اراده خداوند..... ۹۷
- ۹۸-۱-۸- توماس و اراده ذات به ذات..... ۹۸
- ۱۰۱-۲-۸- توماس و تعلّق اراده الهی به غیر ذات..... ۱۰۱
- ۹- صدرا و متعلّق اراده الهی..... ۱۰۴
- ۱۰۶-۱-۹- صدرا و تعلّق اراده الهی به موجودات..... ۱۰۶
- ۱۰۹-۲-۹- اراده اجمالی و اراده تفصیلی..... ۱۰۹
- ۱۱۱-۳-۹- اراده تشریحی و اراده تکوینی..... ۱۱۱
- ۱۱۵-۱۰- اراده در مقایسه با برخی از صفات دیگر خداوند..... ۱۱۵
- ۱۱۵-۱-۱۰- اراده و علم..... ۱۱۵

- ۱۱۹..... ۱۰-۲- اراده و قدرت.
- ۱۲۷..... ۱۰-۳- اراده و اختیار.
- ۱۲۸..... ۱۰-۳-۱- معانی اختیار و اراده.
- ۱۳۲..... ۱۱- جمع بندی و نتیجه گیری.
- ۱۳۸..... فصل سوم: اشکال ها و راه حل ها.
- ۱۳۹..... ۱ طرح بحث.
- ۱۴۰..... ۲ آیا ضرورت صدور فعل مستلزم جبر و ایجاب است؟
- ۱۴۰..... ۲-۱- چرا اهل کلام، فیلسوفان را به جبر و ایجاب متهم کرده اند؟
- ۱۴۱..... ۲-۱-۱- قاعده الشیء ما لم یجب لم یوجد.
- ۱۴۳..... ۲-۱-۲- وجوب بالقیاس.
- ۱۴۴..... ۲-۱-۳- برداشت ناصواب متکلمان از تفسیر فیلسوفان از قدرت و اراده.
- ۱۴۴..... ۲-۲- پاسخ فیلسوفان به اهل کلام.
- ۱۴۴..... ۲-۲-۱- دوام و عدم دوام فعل، ملاک قدرت و اختیار نیست.
- ۱۴۵..... ۲-۲-۲- یجب عنه لا یجب علیه.
- ۱۴۸..... ۲-۲-۳- تشبیه نادرست صفات خداوند به صفات انسان.
- ۱۴۹..... ۲-۲-۴- متکلمین و تشبیه قدرت خداوند به قدرت انسان.
- ۱۵۰..... ۲-۲-۵- متکلمین و تشبیه اراده خداوند به اراده انسان.
- ۱۵۱..... ۲-۲-۶- متکلمین و تشبیه اختیار خداوند به اختیار انسان.
- ۱۵۴..... ۲-۳- دیدگاه توماس اکوئیناس نسبت به ضرورت فعل و جبر و ایجاب.
- ۱۵۴..... ۲-۳-۱- ضرورت مطلق و ضرورت مشروط.
- ۱۵۵..... ۲-۳-۲- تعلق اراده الهی به موجودات، آن را ضروری الصدور نمی کند.
- ۱۵۸..... ۲-۳-۳- توماس و اختیار خداوند.

- ۱۶۰-۲-۳-۴- نقد و بررسی نظر توماس.....
- ۱۶۰-۲-۳-۴-۱- بالامکان دانستن اراده خداوند.....
- ۱۶۲-۲-۳-۴-۲- عدم تفکیک بین وجوب عنه و وجوب علیه.....
- ۱۶۳- ۳- اراده برای خداوند قابل اثبات نیست.....
- ۱۶۵-۳-۱- آیا اراده ذاتی و ازلی خداوند مستلزم قدیم بودن عالم است؟.....
- ۱۶۶-۳-۱-۱- قدیم بودن عالم، آن را بی نیاز از علّت نمی کند.....
- ۱۶۸-۳-۱-۲- صدرا و سرّ نیازمندی اشیاء به علّت.....
- ۱۷۰-۳-۱-۳- صدرا و عدم تلازم بین ذاتی بودن اراده و قدیم بودن عالم.....
- ۱۷۴-۳-۲- آیا تعلق اراده به اموری که تحقق یافته اند، تحصیل حاصل است؟.....
- ۱۷۶-۳-۳- آیا تعلق اراده الهی به حدوث عالم، مستلزم تسلسل در وقت ها است؟.....
- ۱۷۶-۳-۴- توماس و نظریه حدوث.....
- ۱۷۷-۳-۴-۱- توماس و تلازم بین فعل ارادی خداوند و قدیم بودن عالم.....
- ۱۷۸-۳-۴-۲- توماس حدوث عالم را متعلق ایمان می داند نه برهان.....
- ۱۸۰-۳-۴-۳- اشکال ها بر نظریه حدوث عالم و پاسخ توماس به آن ها.....
- ۱۸۱-۳-۴-۳-۱- ازلی نبودن فعل، مستلزم تغییر و تحوّل در اراده است.....
- ۱۸۱-۳-۴-۳-۲- اراده خدا ازلی است بنابراین مخلوقات نیز باید ازلی باشند.....
- ۱۸۲-۳-۴-۳-۳- حدوث عالم، مستلزم بالقوه بودن فاعلیّت خداوند است.....
- ۱۸۳- ۴- اشکال مرحوم کلینی بر صفت ذات بودن اراده.....
- ۱۸۴-۴-۱- بین معلوم بالذات و مراد بالذات تفاوت نیست.....
- ۱۸۵- ۴- ۴- خلط بین مفهوم و مصداق.....
- ۱۸۵- ۴- ۳- تفاوت بین علم و اراده مانند تفاوت بین علم و قدرت است.....
- ۱۸۶-۵- اشکال دیگر بر ذاتی بودن اراده، از راه مقایسه آن با علم و قدرت.....

- ۱-۵- صفت مخصّص، به صفت مخصّص دیگر نیاز دارد.....۱۸۷
- ۲-۵- تخصیص به وقت خاص، مستلزم تفاوت بین اراده و علم و قدرت نیست.....۱۸۸
- ۶- آیا اراده الهی تغییر ناپذیر است؟.....۱۸۹
- ۱-۶- کسانی که عالم را قدیم می دانند، تغییر در اراده را نمی پذیرند.....۱۹۰
- ۲-۶- صدرا و نفی تلازم بین اراده ذاتی و قدیم بودن عالم.....۱۹۰
- ۳-۶- اشاعره و نفی ضرورت صدور فعل.....۱۹۰
- ۴-۶- توماس و تغییر ناپذیری اراده خداوند.....۱۹۱
- ۷- آیا اراده خداوند معلّل به اغراض است؟.....۱۹۲
- ۱-۷- نفی غرض و غایت از افعال خداوند.....۱۹۳
- ۲-۷- ایصال نفع به غیر.....۱۹۵
- ۳-۷- هو الاول و الآخر.....۱۹۶
- ۴-۷- توماس و غرض و غایت در افعال الهی.....۱۹۸
- ۸- جمع بندی و نتیجه گیری.....۱۹۹
- فصل چهارم : شمول و فراگیری اراده الهی.....۲۰۴
- ۱ طرح بحث.....۲۰۵
- ۲ اراده الهی و اراده انسان.....۲۰۶
- ۱-۲- تفویض و عدم شمول اراده الهی نسبت به افعال اختیاری انسان.....۲۰۸
- ۲-۱-۱- تقض نظام علیّ و معلولی.....۲۰۹
- ۲-۱-۲- محدود و مقید شدن اراده و قدرت باری تعالی.....۲۱۲
- ۲-۲- گستردگی اراده خداوند و نفی فعل اختیاری انسان.....۲۱۲

- ۲-۲-۱- نفی تلازم بین فراگیر بودن اراده الهی و اراده و اختیار نداشتن انسان..... ۲۱۲
- ۲-۲-۲- لغو و بیهوده بودن تکلیف..... ۲۱۲
- ۲-۲-۳- کارآمد نبودن نظریه کسب..... ۲۱۲
- ۳-۲-۳- صدرا و شمول اراده الهی نسبت به افعال اختیاری انسان..... ۲۱۴
- ۲-۳-۱- شمول اراده الهی نسبت به افعال اختیاری انسان از طریق حکمت و فلسفه..... ۲۱۵
- ۲-۳-۲- شمول اراده الهی نسبت به افعال اختیاری انسان از طریق توحید افعالی..... ۲۱۷
- ۴-۲-۴- توماس و شمول اراده الهی نسبت به افعال اختیاری انسان..... ۲۲۲
- ۳- آیا شرور و بدی ها مشمول اراده الهی اند؟..... ۲۲۳
- ۳-۱- لا ینحل دانستن مسأله شرور..... ۲۲۴
- ۳-۲- نیستی انگاری شر..... ۲۲۵
- ۳-۳- تقسیم پنج گانه خیر و شر..... ۲۲۹
- ۳-۳-۱- شرّ قلیل لازمه عالم طبیعت است..... ۲۳۱
- ۳-۳-۲- نیافریدن عالم طبیعت، شرّ کثیر است..... ۲۳۲
- ۳-۳-۲-۱- تضاد و حرکت، مستلزم خیر کثیر است..... ۲۳۳
- ۳-۳-۲-۲- تضاد مجعول بالذات نیست..... ۲۳۴
- ۳-۴-۴- توماس و فراگیری اراده الهی نسبت به شرور..... ۲۳۵
- ۳-۴-۱- شرور و بدی ها بالعرض معلوم و مراد خداوند هستند..... ۲۳۶
- ۳-۴-۲- شرور نسبی اند و نسبت به نظام کل، خیر به حساب می آیند..... ۲۳۷
- ۴- آیا کفر و معاصی مشمول اراده الهی اند؟..... ۲۳۹

- ۲۴۰-۱-۴- معتزله و عدم شمول اراده الهی نسبت به کفر و معاصی.....
- ۲۴۲-۲-۴- حکما و فراگیری اراده الهی نسبت به کفر و معاصی.....
- ۲۴۴-۳ ۴- صدرا و شمول اراده الهی نسبت به کفر و معاصی.....
- ۲۴۵-۵- جمع بندی و نتیجه گیری.....
- ۲۵۰- منابع و مآخذ.....

مقدمه

اهمیت و ضرورت مسأله:

یکی از صفات مسلم خداوند متعال - در اسلام، یهود و مسیحیت - اراده اوست. هم در کتاب مقدس آمده است: «هر آن چه خداوند خواست، آن را کرد، در آسمان و زمین، دریا و در همه لجه ها.»^۱ و هم در قرآن کریم بارها از اراده الهی سخن به میان آمده، اراده او را منشأ پیدایش همه امور دانسته است: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۲ اما در فلسفه، اراده الهی از ویژگی خاصی برخوردار است. زیرا فلسفه به تفسیر خدا، جهان و انسان می پردازد و اراده الهی، به هر سه مسأله، ارتباط وثیق و تنگاتنگ دارد، زیرا «اراده» از آن جهت که صفتی از صفات خداوند متعال است، تحلیل و بررسی آن، به شناخت دقیق تری از خداوند متعال، صفات او و چگونگی فاعلیتش می انجامد. از آن جا که اراده خداوند منشأ پیدایش عالم خلقت و ماندگاری آن است، شناخت اراده الهی، به تفسیر خلقت، چگونگی پیدایش آن، و نظم و نظام حاکم بر آن کمک می کند. از آن جهت که اراده الهی، وجود انسان و افعال اختیاری او را زیر پوشش قرار می دهد، شناخت آن، به شناخت بهتری از انسان و افعال اختیاری او می انجامد. به همین دلیل نه تنها شارحان و مفسران کلام الهی در ادیان مختلف - از جنبه تفسیر متون دینی بدان توجه و اهتمام داشته اند، بلکه فیلسوفان و متکلمان نیز همواره به تأملات فکری و نظری در مسأله پرداخته اند. کاربرد فراوان خواست و مشیت الهی در عرف عام و سوء برداشت ها و نیز اشکال ها و سوالات متعددی که در این زمینه وجود دارد، اهمیت پرداختن به مسأله را دو چندان می کند.

انتخاب صدرا و توماس از این جهت دارای اهمیت است که صدرا در جهان اسلام و توماس در عالم مسیحیت، از مهم ترین چهره های فلسفی - کلامی این دو آئین بزرگ به حساب می آیند و تحلیل و بررسی نظر هر کدام از آن ها، می تواند بیانگر نظر بخش وسیعی از سنت فلسفی - کلامی جهان اسلام یا آئین مسیحیت به حساب آید.

این رساله در چهارفصل و یک مقدمه تنظیم شده است. در بخش اول از فصل اول، به اختصار به معرفی صدرا و توماس - با تکیه بر جنبه های علمی زندگی آن ها - پرداخته می شود و

۱. مزامیر: ۱۳۵:۷.

۲. یس/ ۸۲.

در بخش دوم از فصل اول، کلیات صفات الهی از دیدگاه صدرا و توماس، تحلیل و بررسی می شود. در این بخش به دست می آید که هر دو متفکر وحدت و بساطت ذات باری تعالی را پذیرفته اند و صفات خداوند را عین ذات او می دانند؛ اما در چگونگی عینیت صفات با ذات، صدرا با ابداع قاعده «بسیط الحقیقة» تحلیل عمیق و بی سابقه ای از آن به دست می دهد. در این بخش به توضیح صفات ذات و صفات فعل و ویژگی و تفاوت های آن ها نیز پرداخته می شود.

فصل دوم به تبیین مفهوم «اراده خداوند» اختصاص می یابد. در این فصل، نظر اشاعره، معتزله، ابن سینا، علامه طباطبایی، صدرا و توماس در تبیین مفهوم اراده خداوند، مطرح می شود و نظر هر کدام از آن ها مورد سنجش و نقد قرار می گیرد. در این فصل روشن می شود که صدرا و توماس، هر دو، اراده خداوند را به محبت و ابتهاج تفسیر کرده اند و نیز به دست می آید که صدرا و توماس به اراده در مقام ذات و اراده در مقام فعل اذعان دارند و هر دو متفکر، حبّ به شیء را حبّ به آثار و لوازم آن می دانند. پایان بخش این فصل، بررسی مناسبات بین اراده و قدرت، اراده و علم و اراده و اختیار است.

فصل سوم از جهت این که به مهم ترین اشکال های متکلمان، بر نظر و تفسیر فیلسوفان از اراده خداوند می پردازد؛ از اهمیت خاصی برخوردار است. در این فصل نشان داده می شود که اتهام اهل کلام به فیلسوفان - که آن ها را منکر قدرت، اراده و اختیار خداوند دانسته اند - از بن و بنیان، بی پایه و اساس است. و این اتهام از رسیدن اهل کلام به عمق مطالب بلند پایه فیلسوفان، نشأت گرفته است. در این فصل به مسأله اراده الهی و قدیم یا حادث بودن عالم نیز پرداخته می شود و نشان داده می شود که صدرا با نظرات ابداعی و ابتکاریش، برای همیشه نزاع حدود و قدم عالم را پایان بخشیده است. اما توماس در پاسخ به اشکال های اراده الهی بر همان نظر اهل کلام باقی مانده، در این زمینه اندیشه او از عمق تحلیل فلسفی برخوردار نبوده است.

در فصل سوم به سؤالات یا اشکال های دیگری از قبیل اشکال مرحوم کلینی بر ذاتی بودن اراده و ... نیز پرداخته می شود. و از مجموع سؤال و جواب ها به دست می آید که بین اندیشه صدرا که اندیشه فلسفی است، با اندیشه توماس که اندیشه کلامی است، تفاوت آشکاری وجود دارد.

در فصل چهارم به شمول و فراگیری اراده الهی پرداخته می شود و به سؤالات یا اشکال هایی که در این زمینه وجود دارد، پاسخ داده می شود. در این فصل، شمول و فراگیری

اراده الهی نسبت به افعال اختیاری انسان، تحلیل و بررسی می شود و نظر هر کدام از اشاعره ، معتزله، توماس و صدرا توضیح داده می شود و به دست می آید که با دیدگاه متکلمان، نمی توان تحلیل دقیقی از مسأله، ارائه داد و تنها با تحلیل فیلسوفان می توان به پاسخ مناسب دست یافت. در این فصل شمول و فراگیری اراده الهی نسبت به شرور و بدی ها و شمول اراده خداوند، نسبت به کفر و معاصی نیز مورد بررسی قرار می گیرد و به سؤالات یا اشکال هایی که در مسأله وجود دارد، با تکیه بر نظر توماس و صدرا پاسخ گفته می شود.

لازم به ذکر است که جمع بندی و نتیجه گیری هر فصل، در پایان همان فصل انجام گرفته، به پایان رساله واگذار نشده است.

از آن چه گفته شد می توان مسأله اراده الهی را با سؤالات، فرضیات و اهداف زیر از دیدگاه صدرا و توماس دنبال کرد:

سؤالات تحقیق

- ۱ - آیا تحلیل صدرا و توماس از مفهوم اراده الهی ، متفاوت است؟
- ۲ - آیا هر دو متفکر به اراده در مقام ذات و اراده در مقام فعل اذعان دارند؟
- ۳ - آیا آن دو به تحلیل واحدی، اراده الهی را مستلزم جبر و ایجاب نمی دانند؟
- ۴ - آیا صدرا و توماس به تحلیل واحدی پذیرش اراده ذاتی را با پذیرش حدوث عالم قابل جمع می دانند؟
- ۵ - از دیدگاه این دو متفکر چگونه بین شمول و فراگیری اراده الهی و افعال اختیاری انسان سازگاری حاصل می شود؟
- ۶ - آیا آن دو شمول و بدی ها را مشمول اراده الهی قرار می دهند؟

فرضیات تحقیق

- ۱- با توجه به این که هر دو متفکر عینیت صفات با ذات را از جهت مصداقی، پذیرفته اند، هر دو به استقلال مفهومی هر کدام از صفات، توجه دارند و لذا هیچ کدام از آن ها، اراده را به علم تفسیر نمی کنند و هر دو مفهوم «اراده» را به « محبت و ابتهاج » تفسیر می کنند.

۲- توماس و صدرا هیچ امر زائد بر ذات باری تعالی را نمی پذیرند و بنابراین هر دو متفکر به اراده در مقام ذات که عین ذات خداوند متعال است، اذعان دارند. و هر دو متفکر به اراده در مقام فعل نیز باور دارند.

۳- هیچ کدام از صدرا و توماس، اراده خداوند را مستلزم جبر و ایجاب نمی دانند اما تحلیل آن ها از مسأله متفاوت است. توماس به پیروی از اهل کلام بین اراده و مراد فاصله می اندازد و معتقد است اگر فاعل در فرضی فعل را انجام نداده باشد و سپس آن را انجام دهد، چنین فاعلی مرید و مختار است و چون خداوند عالم را از عدم، پدید آورده است- و عالم حادث است- بنابراین، بین اراده خدا که ذاتی اوست و انجام فعل فاصله است، لذا خداوند فاعل موجب [به فتح] نیست. اما صدرا همانند فیلسوفان به تحلیل جبر و ایجاب می پردازد و معتقد است، اگر فاعل تحت فشار عوامل بیرونی فعل را انجام ندهد، چنین فاعلی مرید و مختار است. خواه فعل او دائمی باشد یا نباشد.

۴- صدرا و توماس، هر دو، اراده ذاتی خداوند را پذیرفته اند و هر دو عالم را نیز حادث می دانند. اما تحلیل آن ها از مسأله متفاوت است. صدرا با پذیرش حرکت جوهری، عالم را حادث می داند. اما توماس به حسب ادله عقلی عالم را قدیم می داند و صرفاً به مقتضای ایمان، عالم را حادث می داند.

۵- هر دو متفکر معتقدند که اراده الهی عام و فراگیر است و افعال اختیاری انسان را زیر پوشش قرار می دهد. اما توماس از طریق نظام علی و معلولی بیان این که علة العلة علة، اراده الهی را شامل افعال اختیاری انسان می داند و معتقد است بین انسان که فاعل قریب افعال اختیاری است و خداوند که عامل بعید افعال است، ناسازگاری وجود ندارد. ولی صدرا هم از طریق نظام علی و معلولی و هم از طریق توحید افعالی، افعال اختیاری انسان را مشمول اراده الهی می داند و بین آن ها ناسازگاری نمی بیند.

۶- صدرا و توماس، شرور و بدی ها را مشمول اراده الهی می دانند. اما معتقدند که شرور و بدی ها اولاً و بالذات متعلق اراده الهی نیستند بلکه ثانیاً و بالعرض مشمول اراده الهی اند و دیگر این که شرور و بدی ها لازمه غیر قابل انفکاک عالم طبیعتند.

اهداف و کاربردهای تحقیق

- ۱ - ارزیابی و سنجش اندیشه این دو متفکر.
- ۲ - تحلیل دقیق تر صفات الهی، اراده الهی و فاعلیت خداوند متعال.
- ۳ - پاسخگویی به اشکال ها و سؤالات متعدد در زمینه اراده الهی.
- ۴ - شناخت دقیق تری از نظر متفکران برجسته مسیحیت در مسائل الهیات.
- ۵ - فراهم کردن زمینه برای تقریب بین ادیان توحیدی.

فصل اوّل:

کلیّات

بخش اول : درباره صدره و توماس

بخش دوم: تحلیل صفات الهی از دیدگاه صدره و توماس

بخش اول از فصل اول: درباره صدر و توماس

بی تردید صدر و توماس از شاخص ترین شخصیت های فلسفی - کلامی جهان اسلام و عالم مسیحیت به حساب می آیند. این دو متفکر از دوران حیات و زندگی خود، در بین متفکران و دانشمندان معاصرشان از جایگاه رفیع علمی و شهرت چشمگیر برخوردار بوده اند. و در دوره های بعد نیز نه تنها نام و آثار آن ها به فراموشی نگرائیده است، بلکه با تدریس، تحقیق، بررسی و نقد آثار آن ها، روز به روز بر شهرتشان افزوده است. با توجه به این که در این نوشته، نظر صدر و توماس درباره یکی از مسائل مهم الهیات، بررسی و مقایسه می شود، مناسب است به اختصار نکاتی درباره آن ها مطرح شود.

۱- درباره توماس:

توماس اکوئیناس در پایان ۱۲۲۴ یا آغاز ۱۲۲۵ (۶۲۳ هـ.) در رکاسیکا^۲ در خانواده ای مرفه و حتی اشرافی در پنج کیلومتری شهر کوچک اکوئینو^۳ و نیمه راه میان ناپل^۴ و روم، در جنوب مرکزی ایتالیا به دنیا آمد. پدر و مادرش او را از آغاز ولادت نذر خدمت در صومعه بندیکتن^۵ مجاور «مونت کاسینو»^۶ کردند و او را در پنج سالگی به صومعه بندیکتن سپردند. توماس تحصیلات ابتدایی خود را در آن صومعه آغاز کرد. او از ۱۲۳۰ تا ۱۲۳۹- که امپراتور فردریک دوم^۷ راهبان را از آن صومعه اخراج کرد- در آن صومعه بود. وی در پائیز همان سال وارد دانشگاه

۱. کاپلستون. فردریک چارلز. ۱۳۸۷. تاریخ فلسفه. مترجم ابراهیم دادجو. چاپ اول. تهران. شرکت انتشارات

علمی و فرهنگی. جلد ۲. ص ۳۹۱.

2 . Rocca Cecca.

3. Aquino .

4 . Naple

۵. صومعه بندیکت (Benedictine Monastery) در نزدیکی شهر مونت کاسینو واقع شده است. این صومعه را بندیکت قدیس (ST.Benedict) در سده ششم میلادی بنیان نهاد و برای آن قوانینی وضع کرد که مبنای اداره دیرها و صومعه ها در قرون وسطی گشت. رجوع کنید به:

(Stephen F. Brown.Juan Carlos Flores. 2007. Historical Dictionary Of Medieval Philosophy and Theology. The United States. Scarecrow Press.Inc.P.204.)

6 . Monte Cassino.

7 .Frederic II.